

آسیب‌شناسی زبانی سایت‌های اینترنتی فارسی، با تأکید بر ویکی‌پدیا

دکتر شیرزاد طایفی^۱

آنیثا خالقی^۲

چکیده

زبان مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان و کامل‌ترین ابزار پیام‌رسانی است که در دو سطح گفتار و نوشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه علاوه بر کتاب، روزنامه و رسانه‌های جمعی سمعی و بصری، سایت‌های اینترنتی نیز نقش مهمی در پیام‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم دارند. کاربردها و کارکردهای روزافزون این سایت‌ها، آن‌ها را به یکی از کانون‌ها و ابزارهای مهم ترویج و آموزش زبان فارسی تبدیل کرده است. در این نوشتار به شیوه استقرایی و با تأکید بر سایت دانشنامه آزاد ویکی‌پدیای فارسی و استخراج نمونه‌های مختلف انحراف از زبان معیار در بخش‌های گوناگون آوا، واژه، ترکیب، نحو، نشانه‌های نگارشی و رسم‌الخط فارسی، به بررسی چگونگی و چرایی این خطاهای زبانی و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش پرداخته‌ایم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، به دلیل نبودن مدیریت شایسته، نادیده گرفتن اهمیت آموزش‌های فنی و تخصصی در زمینه نگارش و ویرایش زبانی در سایت‌های اینترنتی و نگارش آزاد که به وسیله عموم و بدون نظارتی انجام می‌شود، خطاها و انحرافات زبانی در فضاهای مجازی پرمخاطبی چون ویکی‌پدیا بیش از پیش افزایش می‌یابد.

کلیدواژه: زبان فارسی، سایت اینترنتی، ویکی‌پدیا، خطاهای زبانی، آسیب‌شناسی.

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

دانشگاه تربیت مدرس

درآمد

«زبان در اصل کارآمدترین، منظم‌ترین و کامل‌ترین ابزار پیام‌رسانی است... اما زبان علاوه بر پیام‌رسانی، نقش‌های دیگری پیدا کرده که آن را کم و بیش از خط اصلی دور ساخته است تا به حدی که گاه نقش پیام‌رسانی آن در سایه قرار گرفته است. عمده‌ترین نقش‌های فرعی زبان بیان عواطف و زیباآفرینی یا هنری است.» (سمعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۴۴)

«زبان اگر در نشانه‌های صوتی آشکار شود، زبان گفتاری و اگر در نشانه‌های نوشتاری (خطی) آشکار شود، زبان نوشتاری نامیده می‌شود. علاوه بر این‌ها البته اشارات و حرکات نیز وجود دارد، اما نه آن نشانه‌های صوتی واقعیت زبان است و نه این نشانه‌های خطی. بلکه زبان را طرح نظام‌واره یا دستگاه ارتباطی پیچیده‌ای با ساختمانی انتزاعی می‌توان فرض کرد که در آن دو تظاهر می‌کند و با نوعی رفتار اجتماعی همراه است.»

زبان فارسی از خانواده زبان‌های ایرانی و زبان‌های ایرانی از خانواده زبان‌های «هند و ایرانی» است. زبان‌های هند و ایرانی نیز از خانواده زبان‌های «هند و اروپایی» است. زبان‌های هند و اروپایی یکی از

^۱ دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی sh_tayefi@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه. manitakhaleghi@yahoo.co

خانواده‌های مهم زبان بشری است که شاخه‌های گوناگون آن در سراسر اروپا و قسمت پهناوری از آسیا و آمریکا و اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده است.» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۷: ۲)

«زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره از عوامل مختلف تأثیر می‌پذیرد و معمولاً همپای تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متحول می‌گردد. میزان و سرعت تغییرات زبانی با پویایی جامعه زبانی و ارتباط آن با جوامع دیگر رابطه تنگاتنگی دارد؛ بدین معنی که هرچقدر جامعه‌ای پویاتر باشد و میزان تحولات علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن بیشتر باشد، دگرگونی زبان در آن بیشتر خواهد بود.» (انوشه‌پور، ۱۳۷۰: ۷۵)

در گزارش‌ها و نامه‌های اداری، کتب درسی، جراید و مجلات و حتی کتاب‌های ادبی و هنری، به لغزش‌ها و افراط و تفریط‌های فراوان بر می‌خوریم.

ویکی‌پدیای فارسی، دانشنامه‌ای فارسی‌زبان در اینترنت است، که از جمله نسخه‌های ویکی‌پدیا، از طرح‌های بزرگ بنیاد ویکی‌مدیا است. ویکی‌پدیا طرح گسترده‌ای است که هدف آن، شکل‌دهی دانشنامه‌هایی با محتوای آزاد، با مشارکت همگان و به همه زبان‌های ممکن است.

پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت ویژه زبان و آموزش آن، کتاب‌ها و مقالات بسیاری در این زمینه نگاشته شده است. آسیب‌شناسی و آسیب‌گریزی زبانی بیگانه در فرهنگ و زبان فارسی (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۳-۳۸) و سبک-شناسی و بلاگ‌نویسی به زبان فارسی (عاصی و مسگرخویی، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۸) از جمله مقالاتی است که به بحث آسیب‌شناسی زبان و بررسی موقعیت زبان در فضای مجازی پرداخته است؛ اما در این نوشتار، برای نخستین بار آسیب‌شناسی زبان فارسی در سایت‌های اینترنتی با مطالعه موردی ویکی‌پدیای فارسی انجام می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

۱. سایت‌ها در ترویج و آموزش زبان نقش مهمی بر عهده دارند؛ به گونه‌ای که در موارد زیادی، استفاده از این سایت‌ها جایگزین کتاب‌ها شده است.

۲. ناهنجاری‌های زبانی و انحراف از زبان معیار در سایت‌هایی چون ویکی‌پدیا که به وسیله عموم نوشته می‌شوند، بیشتر است.

۳. با توجه به نوع و دلیل انحرافات زبانی موجود، می‌توان راهکارهایی برای کاهش و یا از میان بردن این خطاهای پیشنهاد نمود.

سؤالات پژوهش

۱. انحراف از قواعد در کدام‌یک از بخش‌های زبان- آوا، واژه، نحو، املا، نشانه‌های نگارشی- در سایت ویکی‌پدیای فارسی، بیشتر از سایر بخش‌ها است؟

۲. دلیل اصلی وجود خطاهای زبانی در نوشتار موجود در این سایت چیست؟

۳. از چه راهکارهایی می‌توان برای بهبود و اصلاح انحراف زبانی در این سایت بهره برد؟

آوا

«صدایی که در یکی از زبان‌های دنیا کاربرد داشته باشد و به وسیله دستگاہ گفتار انسان تولید شود آوا نامیده می‌شود. بنابراین می‌توان مجموعه‌ای جهانی را در نظر گرفت که اعضای آن، آواهای همهٔ زبان‌های دنیا هستند.» (افراشی، ۱۳۹۱: ۲۳)

«به سطح آوایی [زبان] می‌توان سطح موسیقایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۵۳)

«آواها هنگام هم‌نشینی در زنجیرهٔ گفتار بر هم تأثیر می‌گذارند و دچار تحول می‌شوند. برخی از این‌گونه تحولات در زبان فارسی عبارت‌اند از: همگونی همخوانی؛ همانندی واکه‌ای؛ ناهمگونی؛ قلب؛ حذف؛ اضافه و ابدال.» (افراشی، ۱۳۹۱: ۵۴)

دلایل دگرگونی‌های آوایی، متعدد است «که مهمتر از همه، آسان‌سازی و گریز از سنگینی تلفظ است. و علاوه بر اینها دگرسازی (دگرشوی) و مانندسازی (مانندگردی) نیز مؤثر است. دیگر نبود واج مناسب در زبان است برای لغات خارجی (مانند نرگس و نرجس).» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۸۷)

«گاهی طبق قواعد زبان‌شناسی پاره‌ای از حروف و واج‌ها به‌خصوص آنها که مخرج و واجگاهشان مجاور و نزدیک یکدیگر است به هم بدل می‌شوند. این عمل را ابدال یا تبدیل می‌گویند... از عوامل مهم دیگر ابدال سنگینی حروف و هجاها و دشواری تلفظ آنهاست.» (همان: ۳۶۴)

«۱۵۰ کانی را می‌توان جزو کانی‌های معمول به‌شمار آورد.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ کانی‌شناسی: ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴)

«زبان‌ها بطور مداوم و پیوسته در حال نشو و نما، جریان، و شارش می‌باشند. (همان، ذیل کلمهٔ زبان‌شناسی تاریخی: ۱۲ مارس ۲۰۱۳)

حرف سنگین همزه در واژه‌های «جزء» و «نشء» به «و» تبدیل می‌شود. یکی از انواع ابدال این است که «مصوت بلند «ا» پیش از «ه» ملفوظ به‌طور قیاسی و فعال بدل به مصوت کوتاه فتحه (زبر) می‌شود» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۶۵)؛ مانند «گهی»، «گنه» و «نگه» در شواهد زیر:

«هر کدام در گوشه‌ای از سلول، گهی در داخل سیتوپلاسم و گاهی در داخل هسته سلول تشکیل شده، آماده تهیه و تولید ویروس و وارد مرحلهٔ بعدی آن می‌گردند.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ ویروس: ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

«کلیساها حتا اسناد گنه‌کارانه را نگه‌داری می‌کنند.» (همان، ذیل کلمهٔ سافو: ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴)
«در نتیجهٔ عملکرد فرایند آوایی اضافه (addition) همخوان یا واکه‌ای به زنجیرهٔ واحدهای آوایی هم‌نشین اضافه می‌شود.» (افراشی، ۱۳۹۱: ۵۹)

«نگی توری خمیری است که از خورد کردن ماهی تن یا ماگورو به دست می‌آید.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ نگی تورو: ۱۲ آوریل ۲۰۱۳)

نوشتن «خرد» به معنای «کوچک» به صورت «خورد» نتیجهٔ فرایند آوایی اضافه در زبان محاوره است که به زبان نوشتار راه یافته است.

«تحت تأثیر فرایند آوایی حذف (deletion) همخوان یا واکه یا هجایی از زنجیرهٔ گفتار حذف می‌شود.» (افراشی، ۱۳۹۱: ۵۸)

«سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ برای پست رهبر پروژه کاندید شد.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه استیو مک-ایتایر، ۱ مه ۲۰۱۴)

«گرچه می‌توان به طور یکسان به مورخین آماتور و حرفه‌ای «مورخ» اطلاق کرد.» (همان، ذیل کلمه تاریخ‌نگار: ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۴)

در شواهد بالا، واژه «ا» در «کاندید» و «اگرچه» حذف شده است. فرایند حذف واژه «کاندید» به دلیل یگانگی صورت با واژه «کاندید» به معنی احمق و کودن (دهخدا، ۱۳۲۵-۵۲ ذیل کلمه کاندید) به بیراهه می‌رود.

«این رایانه‌ها... می‌توانند برای هدف‌های گونه‌گونی به کارگرفته شوند.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه رایانه: ۶ ژانویه ۲۰۱۵)

استفاده از «گهی» به جای «گاهی»، یا «گونه‌گون» به جای «گوناگون»، به‌ویژه در متون علمی همچون جمله‌های بالا که به «رایانه» و «تکثیر ویروس‌ها» پرداخته است، نه تنها جایی ندارد، بلکه چون وصله‌ای ناجور در جمله آزاردهنده است؛ زیرا اگر مخاطب مؤانستی با این واژگان داشته باشد، تنها به آثار هنری باز می‌گردد.

از دیگر موارد حذف واژه، در ترکیبات وصفی و اضافی است. هرچند هنوز اهل فن میان همزه و یای بزرگ (ی) برای نمایش کسره اضافه به نتیجه واحدی دست نیافته‌اند، در الزام وجود یکی از این دو، تردیدی نیست. نبودن هیچ واژه‌ای میان اجزای ترکیبات وصفی و اضافی، مخاطب را گمراه و انتقال پیام را مشکل می‌کند. می‌توان این فرایند آوایی را بازخورد تأثیرپذیری زبان نوشتار از زبان گفتار دانست.

«از پرتلفات ترین زلزله‌ها ایران در ۲۴ سال گذشته می‌توان از زلزله بم ... نام برد.» (همان، ذیل کلمه جغرافیای ایران: ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴)

«همچنین ویژگی عمده این آثار وجود روح ملی‌گرایی و نمود اساطیر ایرانی در آنها بود.» (همان، ذیل کلمه ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

واژه «نخستین همایش آموزش زبان فارسی» کلمه به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک واژک یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی گروه به کار می‌رود. در سلسله مراتب واحدها کلمه پایین‌تر از گروه و بالاتر از واژک قرار می‌گیرد.» (باطنی، ۱۳۸۷: ۱۷۸)

زبان‌شناسان معتقدند که ورود واژگان بیگانه به زبان‌های مختلف، امری طبیعی است و این داد و ستد زبانی از گذشته وجود داشته است و از این پس نیز خواهد بود؛ بنابراین همه زبان‌ها پیوسته در حال تغییر و سازگاری با نیازهای زمان خود هستند، تا با وام‌گیری یا آفرینش واژه‌های نو و ترکیب‌های بدیع بتوانند از عهده موقعیت‌های جدید برآیند. هرچند ورود برخی از واژه‌های بیگانه به زبان، امری اجتناب‌ناپذیر است، باید توجه داشت که این ورود به یک هجوم و تصرف کامل زبان وام‌گیرنده تبدیل نشود که در این صورت، به اشغال زبان و در نهایت استحاله فرهنگی و اجتماعی و زبانی منجر خواهد شد.

مسئله دیگر، چگونگی کاربرد واژگان و ترکیبات زبان‌های بیگانه است، که باید منطبق بر قواعد صرفی و نحوی زبان مبدأ باشد؛ در غیر این صورت، واژگانی ساخته خواهد شد آمیخته از دو زبان مختلف، بدون قاعده علمی که در هیچ یک از زبان‌های مبدأ و مقصد، سندی برای ارجاع نخواهد داشت.

«دادستان‌ها حکم جلب آقای آسانژ را لغو کردند و گفتند که دیگر به او مظنون نیستند.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه سپتامبر ۲۰۱۰: ۱۲ مارس ۲۰۱۳)

هرچند می‌توان به جای واژه عربی «مظنون»، از واژه فارسی «بدگمان» استفاده نمود، اما حال که قرار بر استفاده از واژگان بیگانه است، باید این کاربری مطابق با دستورات صرفی و نحوی آن زبان صورت گیرد. «مظنون» بر وزن مفعول، اسم مفعول است. «دادستان‌ها» فاعل عمل شک کردن است؛ پس درست نیست که اسم مفعول برای آن آورده شود. به کار بردن «ظنین» بر وزن فعیل که صفت مشبّه است، بر «مظنون» برتری دارد.

مانند سایر واژگان فارسی، برای جمع بستن «استاد»، «وزیر» و «دهقان» باید از نشانه‌های جمع فارسی (ان-ها) استفاده شود؛ ولی غالباً شاهد جمع بستن آن‌ها به صورت جمع مکسر عربی (اساتید)، (وزرا)، (دهاقین) هستیم.

«گروه اساتید موسیقی ایران» (همان، ذیل کلمه گروه اساتید: ۱۶ اکتبر ۲۰۱۴)

«نوی اساتید» (همان، ذیل کلمه نوی اساتید: ۷ دسامبر ۲۰۱۴)

«مدح و ستایش سلاطین و وزرا و امرا با تملق و چاپلوسی به حد غلو و افراط در طرح تقاضا به حد سوال و تکدی می‌رسیده است.» (همان، ذیل کلمه قصیده: ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴)

«دهاقین در زمان ساسانیان مالکان بومی بودند.» (همان، ذیل کلمه خواجه نظام‌الملک طوسی: ۱ نوامبر ۲۰۱۴)

«فقدان» نیز از جمله واژگانی است که پس از رسیدن به زبان مقصد، از نظر معنایی دگرگون شده است؛ یعنی گذشته از تعصبات زبانی که استفاده از واژه فارسی «نبودن» را می‌پذیرد، «فقدان» از ریشه «فقد» به معنی «گم شدن» است، نه به معنی «نبودن»؛ در حالی که اغلب به منظور بیان نبودن چیزی یا کسی به کار می‌رود.

«اطلسی (Petunia × atkinsiana) گیاهی است یکساله که در صورت فقدان وجود دمای پائین به صورت گیاهی چندساله رویش خواهد کرد.» (همان، ذیل کلمه اطلسی: ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴)

- «فقدان خدمات شهری مناسب و کافی» (همان، ذیل کلمه زاغه: ۱۴ نوامبر ۲۰۱۴)
چنان‌که می‌بینیم در هیچ یک از شواهد بالا، گم‌شدنی صورت نگرفته است، بلکه صحبت پیرامون «نبودن» است.

«او در سال ۱۳۸۱ ... دستگیر شد.» (همان، ذیل کلمه حسین قاضیان: ۵ ژوئن ۲۰۱۴)

«دستگیر» به معنی دست‌گیرنده، یار، مددکار و فریادرس (دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۲، ذیل کلمه دستگیر) و «دستگیر شدن» به معنی یار و مددکار کسی شدن (همان: ذیل کلمه دستگیر شدن) است و در ادبیات فارسی کلاسیک با این معانی به وفور یافت می‌شود؛ اما امروزه اغلب به جای «بازداشت» و «بازداشت شدن» به کار می‌رود که با قواعد نگارشی مغایرت دارد.

«این تعبیر [برخوردار بودن] عاریتی است و از زبان‌های بیگانه (فرانسسه: *rejouir*؛ انگلیسی: *enjoy*) گرفته شده است و به‌خصوص، در بعضی از کاربردها خطاست، مانند از آفات زیادی برخوردار است. چون برخورداری بار معنایی مثبت دارد و به نعمات تعلق می‌گیرد نه به آفات» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)؛ چنانکه در شواهد زیر نیز «برخوردار» در جمله‌هایی به کار رفته است که معنایی ناخوشایند و منفی را القا می‌کند. استفاده از «برخوردار» در کنار واژه‌هایی چون «پیچیدگی» و «فقر»، انتقال پیام را مختل می‌کند.

«زن... از پیچیدگی‌های بسیار و تفاوت‌های فراوان نسبت به جنس مخالف خود مرد برخوردار است.»
(ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ زنان: ۱۷ اوت ۲۰۱۴)

« بیابان سرزمینی است که غالباً از فقر آب و گیاه برخوردار است.» (همان، ذیل کلمهٔ دشت: ۳۱
دسامبر ۲۰۱۴)

استفاده از واژه‌های «عدم» به جای «نبودن»، «جهت» به جای «برای» و «توسط» که معمولاً با فعل مجهول می‌آید، از دیگر نکاتی است که قواعد نگارش فارسی بر آن خرده می‌گیرد. (رک سمعی گیلانی،
۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۸۴)

«عدم انکار به این مفهوم است که طرفین درگیر در یک نزاع حقوقی، نتوانند صحت و اعتبار یک قرارداد یا متنی
که قبلاً تهیه شده است را انکار نمایند.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ عدم انکار: ۱ فوریهٔ ۲۰۱۴)
«الویتور ابزاری است که جهت بلند کردن بافت ظریف و حساس مورد استفاده قرار می‌گیرد.» (همان، ذیل کلمهٔ
الویتور: ۲ نوامبر ۲۰۱۳)

«هدفش را یافتن قوانین همواره صادق حاکم بر جوامع انسانی توسط یک روشی علمی تعریف کرد.»
(همان، ذیل کلمهٔ جامعه‌شناسی: ۵ ژانویهٔ ۲۰۱۵)

ترکیبات

به مجموعهٔ یک یا چند حرف با یک یا چند اسم، ترکیب گفته می‌شود. ترکیبات بسیاری نیز چون واژگان
در زبان فارسی وجود دارند که ساختمان جمله با استفادهٔ نادرست از آن‌ها آسیب می‌بیند. بسیاری از این
ترکیبات، گرت‌برداری شده از زبان‌های دیگر هستند که با ترجمه‌های ناشیانه شایع شده‌اند. «از نقطه نظر»،
«از آنجا که»، «به عمل آمدن»، «به عنوان»، «در رابطه با» و... نمونه‌هایی از این ترکیبات نادرست هستند
که معادل درست آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد و باید با کاربرد پیوستهٔ این ترکیبات درست در زبان
معیار، جایگاه آن‌ها را تثبیت کرد.

«از نقطه نظر پراکنش جهانی به تعداد کم در خلیج فارس یافت می‌شوند.» (همان، ذیل کلمهٔ
گرازماهی: ۱۰ مارس ۲۰۱۳)

«از آنجا که طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت اشخاص حقوقی نیز می‌توانند دارای حقوق و
مسئولیت‌هایی که قانون برای افراد وضع کرده باشند، بنابراین شرکت‌های تجاری هم تاجر تلقی
می‌شوند.» (همان، ذیل کلمهٔ بازرگان: ۳۰ ژانویهٔ ۲۰۱۴)

«از فعالیتهای این مرکز جلوگیری به عمل آمد.» (همان، ذیل کلمهٔ فرهنگستان فرانسه: ۲۸ ژانویهٔ
۲۰۱۴)

«تاریخ به عنوان یک رشتهٔ مطالعاتی دارای شاخه‌ها و گرایش‌های جانبی زیادی است.» (همان، ذیل
کلمهٔ تاریخ: ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴)

«منظور از تاریخ (۱)، مجموعهٔ حوادث فرهنگی،... است که در گذشته و در زمان و مکان زندگی
انسان‌ها و در رابطه با آن‌ها رخ داده است.» (همان، ذیل کلمهٔ تاریخ: ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴)

نحو

«نحو بخشی از دستور زبان است که از روابط کلمات با هم گفتگو می‌کند.» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۵۳) «بیشتر آنچه تحت عنوان دستور زبان در تحقیقات گوناگون زبان‌شناسی سنتی و نو به رشته تحریر درآمده است، در حقیقت تنها بخشی از توصیف دستوری است که توصیف نحوی نام دارد. زیرا عمده تأکید آنها بر توصیف قواعد حاکم بر ترکیب واژه‌ها در قالب عبارات و جمله‌هاست. نحو و اصول نحوی زبان بازتاب دانش سخنگویان نسبت به قواعدی است که بر آن اساس واژه‌ها در قالب گروه‌ها و جمله‌ها ترکیب می‌شوند.» (رحیمیان، ۱۳۸۹: ۱۹)

کاربرد نابه‌جای وجه وصفی

«استان اردبیل در سال ۱۳۷۲ از استان آذربایجان شرقی جدا شده و استانی مستقل گشت.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه جغرافیای ایران: ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴) «شعریست که فاقد قاعده وزن و قافیه بوده و وزن آن را می‌باید در فحوای کلام جستجو کرد.» (همان، ذیل کلمه ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

«جدا شده» و «بوده» صیغه وجه وصفی است. «وجه وصفی چنان‌که از اسمش بر می‌آید، صفت است منتها صفتی که از ماده فعلی ساخته می‌شود و ساخت صیغه‌اش بن ماضی + های بیان حرکت است و متناظر است با participle passé در زبان فرانسه و past participle در زبان انگلیسی... این صیغه را هرگاه به کار برند، چون نه زمان فعل را نشان می‌دهد نه شخص و نه وجه آن را ناقص است... کاربرد صیغه وجه وصفی به جای صیغه کامل فعلی، دریافت پیام را هم به تأخیر می‌اندازد و هم دشوار می‌سازد.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۱۸۷)

حذف فعل بدون قرینه

«مهمترین رودخانه‌های حوضه خلیج فارس و دریای عمان شامل: کارون (۸۹۰ کیلومتر)، جراحی (۴۳۸ کیلومتر)....» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه جغرافیای ایران: ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴) جمله بالا فعل ندارد. اگر «شامل» آورده نمی‌شد و پس از «عمان» دو نقطه می‌آمد - که نشانه نگارشی پیش از مجموعه‌ای از شواهد و مثال‌ها و اقسام و اجزا است - از نظر فن نگارشی ایرادی بر آن وارد نبود؛ اما با آوردن «شامل»، مخاطب انتظار دارد فعلی جمله را کامل کند. «انیاک یک رایانه قدیمی ایالات متحده اصولاً طراحی شده تا محاسبات پرتابه‌ای توپخانه را انجام دهد.» (همان، ذیل کلمه رایانه: ۶ ژانویه ۲۰۱۵) در جمله اول فعل «است» پس از «ایالات متحده» بدون قرینه لفظی و معنوی حذف شده است.

کاربرد حرف اضافه نامناسب

«هدف تاریخ علاوه بر اینکه معرفت به افراد انسان است...» (همان، ذیل کلمه تاریخ: ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴) «جغرافیای طبیعی عبارت است از مطالعه جغرافیایی از چهره‌های طبیعی سیاره زمین.» (همان، ذیل کلمه جغرافیای طبیعی: ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴)

نکته‌ای که در جملات بالا جلب توجه می‌کند، به کار بردن حروف اضافه نامناسب است. «معرفت به» و «مطالعه از» در زبان و ادب فارسی اشتباه است. آنچه «مطالعه» و «معرفت» - به معنای شناخت - را به واژه پس از خود پیوند می‌دهد، تنها کسره وصل است.

در هر یک از جملات زیر با چند اشتباه دستوری روبه‌رو هستیم:

«حسب موضوع مورد کاربرد در یک آفریده ادبی فارسی آن را در حیطه ادبیات حماسی، غنایی، تعلیمی یا نمایشی قرار می‌گیرد.» (همان، ذیل کلمه ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

نهاد جمله «یک آفریده ادبی» است و طبق قواعد دستور زبان فارسی باید در ابتدای جمله قرار بگیرد، و چنین نشده است. با توجه به سایر اجزای جمله، فعل پایانی باید «قرار می‌دهد» باشد، نه «قرار می‌گیرد».

«در کتاب مقدمه وی از تکرار تاریخ در یک چرخه شش نسلی سخن گفته. این چرخه از آغاز یک اجتماع با تکیه بر کشاورزی سپس فنون آغاز می‌شود.» (همان، ذیل کلمه جامعه‌شناسی: ۵ ژانویه ۲۰۱۵)

نهاد این جمله «وی» - در میان جمله آمده است. - «است» در جمله اول بدون داشتن قرینه لفظی و معنوی حذف شده است. - پس از واژه «کشاورزی»، وجود نشانه نگارشی ویرگول یا حرف ربط «و» ضروری است، و در این جمله هیچ‌کدام نیامده است.

«در ۲۰ سال گذشته، هرچند برخی ابزارهای خانگی که از نمونه‌های قابل ذکر آن می‌توان جعبه‌های بازی‌های ویدئویی را که بعدها در دستگاه‌های دیگری از جمله تلفن همراه، دوربین‌های ضبط ویدئویی، و PDA ها و ده‌ها هزار وسیله خانگی، صنعتی، خودروسازی و تمام ابزاری که در درون آن‌ها مدارهایی که نیازهای ماشین تورینگ را مهیا ساخته‌اند، گسترش یافت، را نام برد.» (همان، ذیل کلمه رایانه: ۶ ژانویه ۲۰۱۵)

جمله طولانی بالا انتقال پیام را به شدت با مشکل مواجه کرده است. برای «جعبه‌های بازی‌های ویدئویی» که مفعول جمله است، دو بار «را»ی نشانه مفعولی آورده است. کلمه «هرچند» نیمه‌کاره رها شده است و خواننده توضیح مرتبط با آن را در جمله نمی‌یابد.

«مسائل بسیاری وجود دارند که نمی‌توان تحت شرایط قضاوت عینی آورده شوند.» (همان، ذیل کلمه فلسفه: ۶ ژانویه ۲۰۱۵)

«نمی‌توان آورده شوند» اشتباه است و نگارنده این مطلب بایست می‌نوشت: «نمی‌توان آورد» یا «نمی‌توانند آورده شوند».

«این راه قانونی است و می‌بایست در این مسیر حرکت کرد.» (همان، ذیل کلمه خودگرایی اخلاقی: ۱۰ مارس ۲۰۱۳)

زمان جمله، مضارع التزامی است؛ ولی می‌بایست فعل زمان ماضی است. باید به جای «می‌بایست» از «باید» استفاده شود.

فاصله بین مفعول و «را»ی نشانه مفعولی

«خنیگران پارتی سرودهای محلی که تا پس از اسلام نام پهلوی نیز داشتند را قرائت می‌کردند.» (همان، ذیل کلمه ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

«نشانهٔ «را» همواره در جایگاهی پس از هستهٔ گروه اسمی به کار می‌رود.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۳: ۲۱۳) «سروده‌های محلی» مفعول جمله و هستهٔ گروه اسمی است؛ ولی نشانهٔ مفعولی «را» با فاصلهٔ چند واژه با آن آمده است.

«این سبک که تا اوایل سدهٔ چهاردهم نیز سبک اصلی شعر فارسی بود. این بازگشت از اصفهان آغاز شد.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

آمدن «که» در جملهٔ اول، این تصور را ایجاد می‌کند که گوینده قصد دارد توضیحی را بیان کند؛ ولی می‌بینیم که جمله‌های بعدی وابستگی معنایی با جملهٔ اول ندارند و «که» باید حذف شود.

«شروع به تدریس شدن کرد» و «آمیخته می‌کرد» نیز از اشتباه‌هایی است که در شواهد زیر وجود دارد: «جامعه‌شناسی برای اولین بار در سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ میلادی در دانشگاه‌ها شروع به تدریس شدن کرد.» (همان، ذیل کلمهٔ جامعه‌شناسی: ۵ ژانویهٔ ۲۰۱۵) «بررسی پدیده‌های آسمانی را با افسانه‌ها و اعتقادات مردمان آن دوره از تاریخ آمیخته می‌کرد.» (همان، ذیل کلمهٔ فیزیک: ۱۷ ژانویهٔ ۲۰۱۵)

جدایی اجزای فعل مرکب

«بزرگترین محک را در جنگ جهانی دوم خورد.» (همان، ذیل کلمهٔ نیروی هوایی شوروی: ۲۵ مه ۲۰۱۳) «کاربر می‌بایست... اطلاعات کارت اعتباری خود را وارد آیفون نماید.» (همان، ذیل کلمهٔ اپل پی: ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴)

«محک خوردن» و «وارد نمودن» افعال مرکب هستند و جدا شدن اجزای فعل مرکب برخلاف قواعد دستور زبان فارسی است.

گرفته‌برداری

«در هر زبانی، واقعیات و اندیشه‌ها و عواطف به بیانی در می‌آیند که با فرهنگ آن زبان سازگار است و اگر، با وام‌گیری الگوهای بیانی ناساز، شیوه‌های نامتناسب با فرهنگ بومی اختیار کنیم، به یکی از نقش‌های بسیار مهم زبان خدشه وارد ساخته‌ایم و آن نقش تاریخی حمل فرهنگی اصیل است.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

«به یک اجرای زنده (معمولاً موسیقی) در مقابل عده‌ای تماشاگر گفته می‌شود.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمهٔ کنسرت موسیقی: ۴ دسامبر ۲۰۱۳)

«این عارضه ممکن است هر یک از مفاصل را درگیر سازد.» (همان، ذیل کلمهٔ آرتروز: ۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)

آوردن «یک» و «درگیر ساختن» در جمله‌های بالا، نتیجهٔ گرفته‌برداری و ترجمهٔ نادرست است.

نشانه‌های نگارشی

نشانه‌های نگارشی برای رساندن درست و کامل پیام مورد نظر و انتقال معنی از زبان گفتار به نوشتار، به کار می‌روند. کاربرد این نشانه‌ها (نقطه، نقطه‌ویرگول، نشانهٔ پرسش، نشانهٔ تعجب، ویرگول، دو نقطه،

نشانه نقل قول و...) به درک مخاطب از پیام یاری می‌رساند و احتمال برداشت نادرست را تا حد زیادی کاهش می‌دهد.

«علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی است که به بعد اجتماعی انسان می‌پردازد برخلاف دیگر علوم انسانی که ممکن است اصلاً بعد اجتماعی انسان برایش مهم نباشد.» (همان، ذیل کلمه علوم اجتماعی: ۱۲ آوریل ۲۰۱۴)

«ادبیات کلاسیک فارسی در دوران اولیه اسلام در ایران که تحت حاکمیت عرب‌های اموی و حکمرانان محلی آنان بود به صورت شفاهی آغاز به کار کرد.» (همان، ذیل کلمه ادبیات فارسی: ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

جمله‌های بالا هر کدام از چند جمله مستقل تشکیل شده است و نیاز به دست‌کم شش نشانه نگارشی دارد؛ ولی هیچ علامتی در سراسر این جملات نیامده است. نبودن نشانه‌های نگارشی صرف‌نظر از ترویج نگارش نادرست، خواننده را دچار مشکل می‌کند و حتی ممکن است سبب سوء برداشت مخاطب شود و نگارنده نتواند پیام مورد نظر خود را به درستی انتقال دهد.

رسم الخط

«خط در پرورش زبان طی روند تبدیل آن به زبان معیار نقش مهمی دارد. اگر زبان فارسی هنوز نتوانسته است به تمام معنا به زبان معیار تبدیل شود تا حد زیادی نتیجه آن است که خط فارسی به حفظ تلفظ‌های متعددی راه می‌دهد. در قلمروی از زبان فارسی که این زبان به خط سیریلیک نوشته می‌شود چه بسا روند پرورش زبان معیار و یکسان‌سازی تلفظ کلمات سرعت بیشتری یافته است.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

در شواهد زیر، اشتباه‌هایی املائی وجود دارد که اغلب به دلایلی چون: شباهت تلفظ واژگان، نزدیکی مخرج برخی حروف، نبودن مخرج برخی حروف در زبان فارسی که از زبان‌های دیگر وارد شده است و نیز املائی کلمات مشتق و مرکب دیده می‌شود.

«این مسأله نقطه مقابل سنت‌گرایی است. (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه توسل به تجدد: ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴) «او برای تأمین آذوقه... با مشکلات بزرگی روبرو شد.» (همان، ذیل کلمه سلسله اشکانی ارمنستان:

۲۸ دسامبر ۲۰۱۴)

«احساس اختلال اضطرابی می‌تواند دارای نشانه‌های فیزیکی همچون **طپش قلب** و لرز باشد. (همان، ذیل کلمه اختلال اضطراب: ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴)

«گازی است بی‌رنگ بی‌بو، **بیمزه**، تک‌اتمی، ترکیب شیمیایی آن تا کنون شناخته نشده است.» (همان، ذیل کلمه آرگون: ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵)

مرغ **شاخدار** (به انگلیسی: Guineafowl) پرنده‌ای زیبا بوده که همانند کبوتر قادر به پرواز است. (همان، ذیل کلمه مرغ شاخدار: ۲ ژانویه ۲۰۱۵)

املائی صحیح واژگان «مسأله»، «آذوقه»، «طپش»، «بیمزه» و «شاخدار» طبق دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، «مسئله»، «آذوقه»، «تپش»، «بی‌مزه» و «شاخ‌دار» است. (صادقی و زندی، ۱۳۹۲: ۵۶۶، ۳۵، ۱۳۷، ۱۸۰ و ۴۰۷)

« رسانه‌های عراقی نیز بارها با **غیض** از او یاد کرده و صدام برای سر او جایزه تعیین کرده بود.» (ویکی‌پدیا، ذیل کلمه عبدالحسین برونسی: ۲ مه ۲۰۱۴)

غیض به معنی کم شدن آب (دهخدا، ۱۳۲۵-۵۵، ذیل کلمه غیض) و غیظ به معنی به خشم آوردن کسی را و خشم (همان: ذیل کلمه غیظ) است. در جمله بالا برای بیان خشم به اشتباه از «غیض» استفاده شده است. این قبیل اشتباه‌ها نتیجه نزدیکی مخرج این حروف در زبان عربی و نبودن این مخرج‌ها در زبان فارسی است.

بحث و بررسی

زبان از دو بخش گفتار و نوشتار تشکیل می‌شود و آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مسئولیت گویشوران یک زبان برای حفظ اصالت آن زبان در بخش نوشتار، بسیار سنگین‌تر است؛ زیرا ثبت نوشتارها به آن‌ها رسمیت و مرجعیت می‌بخشد، اغلب خطاهای موجود در آن‌ها قابل اصلاح نیست و نیز در اختیار عموم قرار می‌گیرد. این مسائل توجه ویژه به زبان نوشتار را بر می‌انگیزد.

در میان نوشتارها، رسانه‌های عمومی حساسیت بیشتری دارند؛ زیرا مورد استفاده عامه مردم قرار می‌گیرند. سایت ویکی‌پدیا که دانشنامه‌ای آزاد است، از جمله این رسانه‌ها است. نکته بسیار مهم درباره این سایت، نگارش مطالب آن به وسیله عموم مردم است، که این مسئله مدیریت آن را در چارچوب قواعد بسیار دشوار می‌کند. هرکسی با هر میزان سواد و با هر سطح نوشته و قلمی به خود اجازه نگارش می‌دهد؛ از این رو شاهد انواع فرایندهای آوایی نابه‌جا، واژگان نادرست، خطاهای دستوری، اغلاط املائی هستیم، و خوانندگان این سایت‌ها آن را معیار گفتار و نوشتار خود قرار می‌دهند.

در بررسی زبان، توجه به مکان، زمان، مخاطب و نوع متن بسیار مهم است. برای نمونه، اشعار، تقید کمتری نسبت به سایر متون دارند. جابه‌جایی اجزای جمله، انواع فرایندهای آوایی، کاربرد واژگان جدید و... از ویژگی‌های شعر است و در بخش سبک‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما چنین بی‌قیدی‌ها و هنجارگریزی‌هایی در زبان معیار جایز نیست. جایگاه فرایندهای آوایی در زبان ادبی و زبان معیار، متفاوت است. بسیاری از فرایندهای آوایی در آثار هنری، توجیه زیباشناختی و سبک‌شناسی دارند؛ اما وقتی این دگرگونی‌ها وارد زبان معیار می‌شوند، به ساختمان اصیل واژه آسیب می‌رسانند. کاربرد «ره»، «نگه»، «گونه‌گون» و واژگانی این‌چنین، با استناد به صدها اثر ادبی، نادرست نیست؛ اما دو پیامد ناخوشایند دارد:

۱. با به کارگیری واژگانی با چنین فرایندهای آوایی، در زبان معیار، با گذر زمان از برجستگی این واژگان در اثر ادبی - که اصلی‌ترین هدف هنرمند است - به شدت می‌کاهد و مرز میان هنر و ادب از میان می‌رود.
۲. هرچند فرسایش و دگرگونی کلام از ناگزیرهای زبان بشری است، سعی در اجرای این عمل - آن هم در نوشتار - منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا به تخریب اصالت واژه منجر می‌شود و گاه انتقال پیام را دشوار می‌کند.

گاهی خطاهای موجود در زبان، آگاهانه است؛ یعنی تصور می‌شود استفاده از واژگان زبان بیگانه یا ناآشنا، جملات طولانی و مبهم و خروج از قواعد، بر اعتبار کلام می‌افزاید.

می‌توان گفت بیشتر اشتباه‌های موجود در زبان فارسی، ناشی از ورود نابه‌جا و استفاده نادرست از زبان‌های بیگانه و ترجمه‌های غیرفنی است. واژه‌ای که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده است، باید از

قواعد زبان مبدأ تبعیت کند، و نیز نمی‌توان واژه‌های فارسی را با قواعد زبان دیگری به‌کار برد. متأسفانه شاهد بسیاری از این قبیل خطاهای گفتاری و نوشتاری هستیم.

مشکل دیگر، یکسان نبودن مخرج حروف در زبان‌های متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که وقتی واژه‌ای وارد زبان فارسی می‌شود که فارسی‌زبانان مخرج حرف یا حروفی از آن را ندارند، واژه‌ای با تلفظ جدید ساخته می‌شود که به هیچ‌یک از دو زبان تعلق ندارد.

ورود چهار حرف «ذ»، «ز»، «ض» و «ظ» در زبان فارسی که تنها یک مخرج «ز» دارد، و حروف دیگری از این نوع - ث، س، ص، ت، ط و... - رسم‌الخط فارسی را با مشکل روبه‌رو ساخته است. این ناهماهنگی میان گفتار و نوشتار، سبب وجود اغلاط املائی بسیاری در نوشتارهای فارسی می‌شود.

پیشنهادها و راهکارها

پس از بیان انواع مشکلات زبانی موجود در فضاهای مجازی، با توجه به اهمیت و حساسیت بسیار زیاد این مسئله، راهکارهایی برای کاهش این نواقص پیشنهاد می‌شود:

۱. سایت‌ها، به‌ویژه سایت‌هایی که در قالب دانشنامه تدوین می‌شوند، باید متولیانی صاحب‌نظر و متخصص در زبان و ادبیات فارسی داشته باشند.

۲. اگر شیوه‌نامه‌هایی مبتنی بر دستور زبان فارسی، واژگان و رسم‌الخط مصوب فرهنگستان و اطلاعاتی در زمینه نشانه‌های نگارشی در سایت مورد استفاده فراهم شود، تا حدی از میزان این خطاهای زبانی کاسته خواهد شد.

۳. مهم‌ترین راهکاری که می‌توان پیشنهاد کرد، ویرایش زبانی و ادبی نوشتارها به وسیله افراد متخصص و اهل فن، پیش از نمایش عمومی آنها است.

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

دانشگاه تربیت مدرس نتیجه‌گیری

کاربرد و کارکرد تکنولوژی‌های زمانه، به دلیل سرعت و سهولت استفاده، روز به روز بیشتر می‌شود و رسانه‌های اینترنتی در حال جایگزینی وسایل ارتباطی کلاسیک هستند. سایت‌هایی چون ویکی‌پدیا که به صورت دانشنامه هستند، به دلیل اشمال بر زمینه‌های فکری مختلف و رشته‌های علوم گوناگون، مخاطبان بسیاری جذب می‌کنند و در نتیجه تأثیرات مثبت و منفی بیشتری نسبت به سایر سایت‌ها در گسترش زبان نوشتار دارند. بارزترین وجه منفی این گونه سایت‌ها، نگارش و ویرایش آن‌ها به وسیله عموم است که به وجود خطاهای زبانی نسبتاً زیادی در سطوح مختلف زبان منجر شده است. بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، نشان می‌دهد بیشترین انحراف از قواعد زبانی، در سطح واژه، نحو و املا صورت گرفته است؛ زیرا فرایندهای آوایی اغلب در زبان گفتار نمود پیدا می‌کنند. دلیل خطاهای واژگانی، در بیشتر موارد به ترجمه نادرست واژه‌هایی باز می‌گردد که از زبانی دیگر وارد شده‌اند. اشتباه‌های املائی معمولاً نتیجه ورود واژه‌هایی از زبان بیگانه است که مخرج برخی حروف آنها در زبان فارسی وجود ندارد و سبب به وجود آمدن چندین حرف با یک تلفظ شده است، و رسم‌الخط کلمات مشتق و مرکب نیز گمراه‌کننده است؛ اما بیشترین انحراف که در سطح نحوی دیده می‌شود، ناشی از ناآگاهی نسبت به قواعد دستور زبان فارسی است و این که نویسندگان به تفاوت تأمل‌برانگیز زبان گفتار و نوشتار کم‌توجه هستند. نظارت متخصصین صاحب‌نظر، وجود شیوه‌نامه‌های نگارشی و ویرایش متون به وسیله افراد خبره

پیش از نمایش عمومی، از جمله عواملی است که به کاهش انحرافات زبانی موجود در سایت‌ها کمک می‌کند و از تخریب زبان فارسی در فضاهاى مجازى مى‌کاهد.

کتابنامه

- افراشى، آزیتا (۱۳۹۱). *ساخت زبان فارسی*. تهران: سمت، چ ششم.
- انورى، حسن و احمدى گيوى، حسن (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: فاطمی، چ پانزدهم.
- انوشه‌پور، ابوالفضل (۱۳۷۰). *روش تدریس فارسی ابتدایی*. تهران: ایران، چ اول.
- باطنى، محمدرضا (۱۳۸۷). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر، چ بیست و یکم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵-۱۳۵۲). *لغتنامه*. تهران: سازمان لغتنامه دهخدا.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۹). *ساخت زبان فارسی*. شیراز: دانشگاه شیراز، چ اول.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۹). *نگارش و ویرایش*. تهران: سمت، چ یازدهم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: فردوسی، چ پنجم.
- صادقی، علی‌اشرف و زندی‌مقدم، زهرا (۱۳۹۲). *فرهنگ املاى خط فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، چ پنجم.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). *دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید*. تهران: سخن، چ اول.
- مشکوٰه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. مشهد: دانشگاه فردوسی، چ سوم.

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

[www. Anjomanfarsi.ir](http://www.Anjomanfarsi.ir)